

جنگ وارونه ی اهریمن عرفان های دروغین

گرایش جوانان زود باور و معصوم، به تعالیم باطل فرقه ها و عرفان های انحرافی و دروغین، به ویژه در چند دهه ی اخیر، به تهدید.....



گرایش جوانان زود باور و معصوم، به تعالیم باطل فرقه ها و عرفان های انحرافی و دروغین، به ویژه در چند دهه ی اخیر، به تهدید 'سلامت معنوی' جامعه انجامیده و ارائه ی راه کارها و تدابیر ویژه جهت جلوگیری و رشد این پدیده نامیمون بیش از هر زمان، دنگ ضربه می زند.

گرایش فطری بشر به ارتباط با امور ماورائی و فوق طبیعی یا به تعبیر عام تر، گرایش فطری وی به ارتباط با خدا، به عنوان خالق و برترین نیروی هستی، همواره عامل ایجاد انگیزه و اشتیاقی در شناخت و کشف راز و رمز این رابطه ی دو سویه برای انسان بوده است.

مسیر کشف راز و رمز این ارتباط و برقراری انسان خاکی با عالم غیر خاکی که در مفهوم بسیار کلی از آن با عنوان 'عرفان' یاد می شود، مسیری بسیار مناقشه انگیز و چالشی بوده است. در طول تاریخ همواره افرادی مانند پیامبران، قدیستان، راهبان، و امامان و اولیاء الهی بوده اند که بشر را در گذران این مسیر معنوی رهنمون گشته اند. در سلوک (یعنی روش) عرفانی اسلامی به این افراد، شیخ، پیر، مراد، ولی و برخی القاب دیگر گفته می شود و به کسی که تربیت معنوی خویش را به ایشان واگذارده و علاوه بر رعایت واجبات و حریم محرمات، از دستورات معنوی ایشان مانند برپاداشتن نمازها و روزه های مستحبی و تکرار ذکر و تسبیح خداوند به عدد خاص، پیروی می کند سالک یا مرید گفته می شود و از مجموعه ی این آداب به عنوان 'سیر و سلوک عرفانی' یاد می شود. 1

اما بحث چالشی و مناقشه انگیز بودن این سیر و سلوک عرفانی از آنجا آغاز می شود که برخی افراد، مدعی راهبر بودن گشته و عده ای دیگر از روی ساده اندیشی مجذوب ادعاهای واهی و بی اساس این افراد می شوند. ظهور پدیده ای به نام 'عرفان کاذب' که منجر به شکل گیری 'فرقه های (ضاله) گمراه کننده' می شود، نشأت گرفته از این مسئله است.

شهید آوینی، سید شهیدان اهل قلم، با اظهار تأسف از رشد پدیده ی عرفان های جعلی که به نظر می رسد از همان سالها فزونی یافته بوده، درباره ی تعریف جدید و وارونه از معنویت نوشته است: برای عرفان حقیقی که اولیای حق هستند و اصحاب هدایت یافته ی آنان، بسیار غریب است که در این روزگار لفظ 'عرفان' و صفت 'عرفانی' نه تنها بدون تناسب با معانی حقیقی آنها استعمال می شوند که اصلاً اطلاق این الفاظ اصطلاحاً بر اموری است که صراحتاً با کفر و بی دینی و الحاد ملازم اند.

وی افزوده است: 'اگر وضع اولیه ی لفظ عرفان برای دلالت بر معرفت حق است پس چه رخ داده که این لفظ در روزگار ما با هر کفر و شرک و الحادی جمع می شود جز معرفت حق؟ .. این کدام عرفان است که نه تنها با کفر و شرک و الحاد جمع می شود که اصلاً با اعتقاد به خدا و معاد باطل می گردد؟'

مسئله ی عرفان های غیر اصیل، انحرافی، و دروغین، پیشینه ای بسیار طولانی دارد اما متأسفانه رشد و رواج قابل ملاحظه ی این فرقه ها که مبتنی بر خرافات و اعمال انحرافی هستند در چند دهه ی اخیر در ایران به تدریج به امری نگران کننده بدل شده است. گزارش های متعدد رسانه ها در زمینه ی جذب جوانان و بعضاً افراد میانسال به فرقه های انحرافی، که بعضاً به صورت کتاب درآمده (نگاه کنید به مجموعه ی کژراهه، انتشارات مؤسسه جام جم) حاکی از این امر است که جوانان مجذوب این گروه ها، به عکس آنچه در مورد شخصیت بی ایمان و ساده لوح ایشان پنداشته می شود، اغلب افرادی هستند که احساسات قوی معنوی ایشان هدایت نشده و پناهگاهی برای بروز احساسات معنوی خود نمی شناسند و در اثر ناملایمات زندگی و انواع سرخوردگی ها و شکست ها جذب این فرقه ها می شوند و با پیوستن به گروه، احساس حبابی هویت و مهم پنداشته شدن در ایشان متبلور می گردد.

فردریک هیپولد، محقق انگلیسی (1893 - 1971)، در کتاب خود با عنوان Mysticism به شیوه ای شفاف فرق میان عرفان اصیل از عرفان کاذب را بیان می کند. وی می نویسد: در ذهن عامه ی مردم، مفهوم عرفان با معنویت، روشن بینی، هیپنوتیزم، احضار روح و حتی جادو و علوم خفیه یا مرموز و حالات و رویدادهای روانی مبهم که برخی از آنها پیامدهای بیمارگونه ی ناشی از ضعف اعصاب و دیگر شرایط پاتولوژیک است، پیوند دارد.

هیولد می افزاید : عرفان مفهومی سوای از علوم خفیه، احضار روح و روش های جعلی ای است که در پوشش مفهوم عرفان، افراد را به خود جذب می کنند ، بنا بر این همه تجربه های روحی - روانی که در حالتی شبیه به خلسه روی می دهد و گاه سطحی از آگاهی را نیز به ظهور می رساند، الزاما در زمره تجربه های دینی و معنوی نیستند.

آنچه که عرفا ، اولیا ، انبیای الهی ، و سالکان حقیقی راه عرفان تجربه می کنند تأثیری تعالی بخش در هستی شان دارد. به زعم هیولد ، تفاوت تجربه عرفانی واقعی با دیگر تجربه ها، که در اثر استفاده از مواد روانگردان یا روش های دیگر بروز می کند ، این است که تجربه ی عرفانی اصیل، به طور ناگهانی بر فرد رخ داده و زمان بسیار کوتاهی را از لحاظ ادراک حسی در برمی گیرد؛ و تأثیری عمیق ، ماندگار و با اهمیت بر فرد می گذارد و فرد با حالتی اشراقی حس می کند چیزهای بیشتری از واقعیت را درک کرده است. این تجربه گاه بر افراد بسیار ساده دل که حتی تمرین مراقبه هم نداشته اند، رخ می دهد.

بنا بر آنچه درباره ی خلاء آگاهی معنوی برخی جوانان در پیوستن به این گروه ها اشاره شد، لذا یکی از وظایف محوله ی مسئولان اجرایی سیاست های کلان فرهنگی جامعه ، شناسایی این فرقه ها و سردمداران شان ، جهت نجات افرادی است که به دام ایشان گرفتار آمده و مورد انواع سوء استفاده های مالی ، شخصیتی و روحی و معنوی می شوند .

علی جنتی ، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت تدبیر و امید، در رابطه مبارزه و پیشگیری از رشد این فرقه ها در جامعه ، در پاسخ به سؤال نگارنده می گوید : ما باید به شبهاتی که این فرقه ها در ذهن افراد ایجاد می کنند پاسخ داده و آن شبهات را منتفی کنیم و به شیوه ای غنی و اصولی آنچه که صحیح است را تبیین نماییم . وی می افزاید : بیشتر تبلیغات این گروه ها به صورت غیر مجاز و در فضای مجازی است. در حال حاضر در حدود سیصد مرکز تحقیقاتی در قم فعالیت دارند همین طور در تهران و جاهای دیگر که همه ی آنها در فضای مجازی هم حضور دارند، می توان گفت بهترین راه برخورد از طریق سایت های اینترنتی و اطلاع رسانی گسترده در رفع شبهات است.

از دیگر مقوله های مرتبط با موضوع نوشتار حاضر ، مقوله ی ، سنجش ، تنظیم و کنترل 'سلامت معنوی' افراد جامعه است . اگر چه موضوع ' سلامت معنوی ' بیشتر به حوزه ی پزشکی مرتبط است اما بنا به توضیح کارشناسانی که در گروه های مختلف سلامت معنوی در کشور فعالیت دارند ، مقوله ی جذب شدن افراد در فرقه هایی مانند شیطان پرستی نیز ارتباط مستقیم با موضوع 'سلامت معنوی' دارد.

در سال 1983، دکتر هاندان ماهر ، که دبیر کلی سازمان جهانی بهداشت در آن زمان را به عهده داشت در سخنرانی خود با عنوان ' استراتژی جهانی سلامت برای همه تا سال 2000 ' به بعد معنوی سلامت اشاره کرد و اعلام نمود که : هر انسانی بدون توجه به دین ، نژاد ، فرهنگ و هوش و استعدادش ممکن است به درجاتی برسد که آن را ابعاد معنوی می نامد و این می تواند بر سلامت او تأثیر گذار باشد.

در اجلاس بعدی سالیانه بهداشت جهانی در آن زمان ، یعنی در سال 1984 ، مصوبه ی WHA 37.13 t، یک تصمیم تاریخی به شرح زیر بود : 'بعد معنوی بخش جدا نشدنی در استراتژی سلامت در کشورهای عضو سازمان بهداشت است.' همچنین تأکید شد که باور بر این است که بعد معنوی از جنس امور مادی نیست بلکه متعلق است به افکار، باورها ، ارزش ها و اخلاقیاتی که در مغز انسان تبلور می یابد. در انتهای مصوبه ی فوق الذکر از کشورهای عضو دعوت شد تا در ' در استراتژی سلامت برای همه ' بعد معنوی سلامت ' را در نظر داشته باشند و به صورتی که با روندهای اجتماعی و فرهنگی آنها مطابقت دارد، به کار گیرند.

علیرغم پژوهش های بسیار گسترده و عظیم درباره ی مفهوم سلامت معنوی، هنوز اتفاق نظر کلی درباره ی شاخه های مرتبط با این مقوله وجود ندارد.

دکتر فریدون عزیزی ، فوق تخصص غدد و رئیس گروه سلامت معنوی فرهنگستان علوم پزشکی ایران، در کتاب 'سلامت معنوی ، چیستی ، چرایی ، چگونگی' ، می نویسد : در نگاه مادی و اومانیستی یک نگاه حداقلی به سلامت معنوی وجود دارد و تنها به عنوان ابزار در اختیار درمان جسمی بیماران قرار می گیرد . علاوه بر آنکه معنویت از دیدگاه اومانیستی الزاماً منشأ قدسی ندارد.

وی می افزاید : نگاه دینی برای سلامت معنوی جایگاه وسیع تر و گسترده تری را قایل است . سلامت در این نگاه ، فقط شامل جسم نیست و چون انسان علاوه بر جسم دارای روح است ، عقیده دارد همان گونه که جسم مریض می گردد ، روح هم مریض می گردد. در واقع 'معنویت' در تعبیر 'سلامت معنوی' ، همچون 'جسم' در 'سلامت جسمانی' ، ' روان' در 'سلامت روانی' ، و ' اجتماع' در سلامت اجتماعی' است؛ و همانگونه که رشد غده سرطانی در بدن نشانه ی سلامت جسمانی نیست و بیماری محسوب می شود، رشد معنویت کاذب همچون گرایش به شیطان پرستی و عرفان های دروغین نیز بیماری معنوی محسوب شده و نیازمند درمان است.

در همین زمینه ، مجتبی مصباح، مؤلف کتاب ' سلامت معنوی از دیدگاه اسلام ' در تبیین شاخص های سلامت معنوی به نکته ی درخور تأملی اشاره می کند به این شرح که در تعریف سنتی ، معنویت بر دین و مذهب تأکید می کند در حالی که در سال های اخیر ، معنویت معنای وسیع تری یافته و به عنوان یکپارچه کننده ی همه ی جنبه های زندگی و تجربه ی بشر است؛ این دیدگاه می تواند به عنوان یکی از دلایل رشد عرفان ها و فرقه های انحرافی ، مهم تلقی شود.

به زعم آنچه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر رفع شبهات از ذهن افراد جامعه در رابطه با تبلیغات فرقه های انحرافی تأکید داشت، می توان مواجهه جوانان با 'تعاریف وارونه' ای که از کلیت زندگی ، از سوی فرقه های عرفان های کاذب به ایشان ارائه می شود را سخت ترین معضل فرهنگی دوران اخیر دانست؛ تعاریف وارونه از هدف اموری مانند دوستی ، شخصیت ، هویت ، ازدواج ، فرزند آوری ، شاغل بودن، و به طریق اولی تعاریف وارونه از خدا و هستی ، عرفان و معرفت ، سیر و سلوک و در یک کلام انسان و هدف زندگی.

رنه گتون (1886-1951)، متفکر فرانسوی و از اصحاب حکمت خالده، در کتاب ' سیطره ی کمیت و علائم آخرزمان '، نوشته است : 'شاید بتوان گفت که 'وارونگی' مرتبه ی آخر سیر تکامل انحراف است؛ به عبارت دیگر انحراف تام، دست آخر وارونگی را با خود می آورد . در وضع کنونی امور هر چند نمی توان گفت که وارونگی به آخرین حد رسیده است، لکن از هم اکنون در همه اموری که تزویر یا تقلید مضحک به شمار می رود علائمی از آن کاملاً نمایان است . کلمه ی شیطانی در حقیقت به همه اموری که شامل انکار و وارونه ساختن نظم است اطلاق می شود و این بدون کم ترین تردید، درست آن چیزی است که ما آثار آن را پیرامون خود مشاهده می کنیم . شیطان ، بوزینه یا مقلد مضحک خداست و به شکل فرشته روشنایی درمی آید .'

فرجام سخن را با استعانت از کلام خداوند یکتا به پایان می بریم و در آستانه ی ماه مبارک رمضان ، فکر و قلبمان را منور به خواندن آیات وحیانی قرآن کریم کرده و از خداوند بخواهیم که قلب های ما را پس از هدایت، از گمراهی و از شرّ اهریمن جهل و خرافه ، در امان بدارد . ربّنا لاترغ قلوبنا بعدَ اذ هدیتنا !

* منابع جهت مطالعه ی بیشتر :

1: فرهنگ اصطلاحات عرفانی ، سید جعفر سجادی ، انتشارات طهوری

2: سلامت معنوی ؛چیستی ، چرایی و چگونگی ، فریدون عزیزی ، انتشارات حقوقی

3: سلامت معنوی، از دیدگاه اسلام ، مجتبی مصباح (با دیباچه ی دکتر علیرضا مرندی)

4: سلامت معنوی ؛ مفاهیم و چالش ها ، سپیده امیدواری ، فصل نامه ی تخصصی پژوهش های میان رشته ای قرآنی، شماره 1، زمستان 1378

5: Mysticism: A Study and an Anthology, Frederick C. Happold, Penguin Book

* از : آمنه شیرازی نژاد